

## تحلیل و بررسی فقهی اجرای فیلترینگ در فضای مجازی

دریافت: ۹۶/۳/۶ تأیید: ۹۶/۵/۲۸ سیدمجتبی حسین نژاد\* و حمیدرضا منیری حمزه کلایی\*\*

### چکیده

فضای مجازی در کنار فرصت‌های مهم، تهدیدهای امنیتی و اجتماعی و فرهنگی به همراه دارد. سیاست جمهوری اسلامی ایران بر آن است که فیلترینگ به عنوان اصلی‌ترین راه اعمال محدودیت دسترسی کاربران نسبت به سایت‌های انحرافی و مخالف با موازین اسلامی بشمار می‌آید. این مقاله در صدد تحلیل فقهی موضوع و عیارسنجی ادله فقهی آن و در نهایت، تقویت نظریه و جوب اعمال فیلترینگ نسبت به سایت‌های انحرافی است. اگر چه فیلترینگ بعضی از سایت‌ها بر خلاف مقتضای قاعده لاضرر مستلزم ضرری چون منفعت‌نبردن از علم و نکات موجود در آن سایت می‌باشد، ولی فیلترنکردن این دسته از سایت‌ها با توجه به دلایلی؛ چون انحرافات دینی، اعتقادی، فرهنگی و سیاسی، بر خلاف ادله قاعده نفی سبیل، حرمت حفظ کتب ضاله، قاعده مصلحت و امر به معروف و نهی از منکر است و در صورت تزاحم بین ادله و جوب فیلترینگ و فیلترنکردن سایت‌های انحرافی، آنچه که ضرر کمتری دارد، اختیار می‌گردد.

### واژگان کلیدی

فیلترینگ، فضای مجازی، قاعده نفی سبیل، حرمت حفظ کتب ضلال، قاعده حفظ مصلحت، امر به معروف، قاعده لاضرر

\* استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی مؤسسه آموزش عالی پارسا - بابلسر: mojtabahoseinnezhad4@gmail.com

\*\* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران: hamidrezamoniri@yahoo.com

## مقدمه

اسلام دین علم و دانش است و این دین آسمانی، انسانها را به فراگرفتن علوم و توسعه بخشیدن و همگانی ساختن آن تشویق می‌کند، ولی در عین حال به یک نکته اساسی توجه کامل دارد و آن اینکه همانطور که باید جامعه را از عوامل خطرهای مادی مانند بیماری‌های واگیردار حفظ کرد، باید از عوامل انحراف‌های فکری و معنوی نیز محافظت نمود. در تمدن غربی، افراد در انتخاب هر نوع عقیده و فکر و انحرافی را که مخل به نظام مادی اجتماع نباشد، آزاد هستند، لکن در اسلام اینطور نیست، بلکه اسلام خواهان آن است که جامعه‌ای بوجود آورد که در مسیر تکامل معنوی و اخلاقی پیش برود. این کار میسر نمی‌شود، جز آنکه با عوامل انحراف فکری و اخلاقی مبارزه شود و از تسلط این عوامل بر زندگی مردم جلوگیری کند. در دنیای دیجیتال امروز، توسعه فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی باعث ایجاد تأثیراتی عمیق و غیر قابل انکار بر زندگی افراد جامعه شده است. اینترنت یکی از بزرگ‌ترین ابزار کاربردی با پیش‌زمینه ارتباطات و رسانه است و هدف اصلی آن، افزایش و تسریع اطلاعات و ارتباطات می‌باشد؛ بطوری که توانسته است تحولاتی اساسی در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه ایجاد کند. ولی به مرور زمان و بتدریج، این منفعت مطلوب از اینترنت مورد تحریف قرار گرفته و کارآیی آن تغییرات چشم‌گیری را به خود دیده است. حتی می‌توان ادعا نمود که فضای سایبری به میدان جنگی جدید تبدیل شده که تهدیدی نو به فهرست تهدیدات متعارف پیش روی جهان امروز اضافه کرده است. بستر تأثیرات این تهدید از مرزهای جغرافیایی و سیاسی فراتر رفته که نکات ضمنی آن در حوزه امنیت ملی کشورها بسیار مهم است. بسیاری از سایت‌ها سلامت روانی جامعه و خانواده‌ها را به خطر می‌اندازد و تعداد زیادی نیز کلاهبرداری و فسادهای مالی و نیز فسادهای اخلاقی و سیاسی و دینی به دنبال دارد. همچنین دسته زیادی از سایت‌ها که نوعاً در عناوین زیبایی نیز طراحی شده‌اند، فتنه‌آفرینند که در این میان می‌توان به بعضی از سایت‌هایی که به اختلافات قومیتی دامن می‌زنند، اشاره نمود. برخی از این

سایت‌ها تحت عنوان ایجاد کمپین‌های حمایت از زبان مادری از احساسات هموطنان سوء استفاده می‌کنند. عنوان کار، عنوان زیبایی است، اما در بطن کار، مسائلی پیش می‌آید و حرف‌هایی زده می‌شود که واکنش بعضی اقوام دیگر را به دنبال دارد و به تبع آن یک دعوی قومیتی مطرح ایجاد می‌کند. بر این اساس، خصوصیت و ویژگی اینترنت و سهولت انتشار مطالب و اطلاعات و علاوه بر آن، راحتی دستیابی به انواع مختلف اطلاعات در وب؛ اعم از متن، صوت، تصویر و داده‌های گرافیکی متنوع، به اندازه‌ای شدت یافته است که در برخی موارد اطلاعات حاوی مطالب مخرب و زیانباری نیز در وب منتشر می‌شود که زمینه سوء استفاده‌های مختلف را فراهم آورده است. هرزه‌نگاری‌های جنسی؛ بخصوص در زمینه سوء استفاده از کودکان، ترویج خشونت و فساد، خرید و فروش مواد مخدر و زیانبار، اشاعه اطلاعات خصوصی افراد و سازمان‌ها، استفاده از اطلاعات وب در جهت اهداف تروریستی و موارد مشابه، ضرورت کنترل محتوای وب را ناگزیر ساخته است، ولی این کنترل و نظارت بر انتشار اطلاعات در جوامع مختلف و بر حسب خط‌مشی‌های سیاسی و فرهنگی هر جامعه‌ای نمودهای متفاوتی داشته است. سیاست جمهوری اسلامی ایران بر آن است که «فیلترینگ» به عنوان اصلی‌ترین راه اعمال محدودیت دسترسی کاربران نسبت به سایت‌های انحرافی و مخالف با موازین و مبانی اسلامی شمرده می‌شود. اعمال فیلترینگ از ناحیه حکومت بر پایه ملاک‌هایی چون خلاف هنجارهای جامعه بودن، خلاف شؤونات اسلامی بودن، تهدیدبودن برای امنیت ملی صورت می‌گیرد. از نظر نویسندگان، اعمال فیلترینگ در فضای مجازی واجب است و دامنه وجوب تکلیفی آن شامل تمام سایت‌هایی می‌شود که به سلامت روحی و روانی افراد جامعه و به امنیت ملی کشور لطمه وارد می‌کند و در یک سخن، بر خلاف مقتضای شریعت اسلام شمرده می‌شود. پژوهش حاضر در صدد آن است که مبانی فقهی وجوب اعمال فیلترینگ را نسبت به سایت‌های انحرافی و بر خلاف احکام اسلامی، مورد بررسی قرار دهد و حکم تکلیفی وجوب اعمال فیلترینگ را در مورد این دسته از سایت‌ها اثبات نمایند. قبل از تبیین ادله وجوب اعمال فیلترینگ، لازم است واژگانی چون فضای مجازی، اینترنت و فیلترینگ توضیح داده شوند.

## ۱. فضای مجازی

در رابطه با تبیین فضای مجازی، تعاریف مختلفی ارائه شده است. به نظر می‌رسد تعریف جامع و کامل از فضای مجازی و سایبری این تعریف باشد: «فضای مجازی، محیط الکترونیکی واقعی است که ارتباطات انسانی به شیوه‌ای سریع و واقعی، فراتر از مرزهای جغرافیایی و با ابزار خاص خود، در آن زنده و مستقیم روی می‌دهد» (عباسی و مرادی، ۱۳۹۴، ش ۸۱، ص ۴۴).

قید واقعی، مانع از آن است که تصور شود مجازی بودن این فضا به معنای غیر واقعی بودن آن است؛ چراکه در این فضا نیز همان ویژگی‌های تعاملات انسانی در دنیای خارج همچون مسؤلیت وجود دارد. ضمن اینکه فضای سایبر در واقع یک محیطی است که ارتباطات در آن انجام می‌شود، نه صرف مجموعه‌ای از ارتباطات. از سوی دیگر، اگرچه ممکن است این ارتباطات در همه شرایط آنلاین نباشند، ولی زنده و واقعی و مستقیم هستند. از این رو، تأثیر و تأثر بالایی در این روابط رخ می‌دهد (همان).  
واژه «سایبر» به فناوری رایانه و الکترونیک محور اشاره دارد. فضای سایبر نیز یک قلمرو عملیاتی تنظیم شده به وسیله استفاده از علم الکترونیک است تا اطلاعات را از طریق سیستم‌های به هم پیوسته و زیرساخت‌های مرتبط با آن مورد بهره‌برداری قرار دهد (همان).

فضای مجازی را می‌توان برای توصیف تمام انواع منابع اطلاعاتی موجود شده از طریق شبکه‌های رایانه‌ای بکار برد. در حقیقت فضای مجازی نوع متفاوتی از واقعیت مجازی و دیجیتالی است که توسط شبکه‌های رایانه‌ای هم پیوند تأمین می‌شود که با اندکی مسامحه می‌توان آن را مترادف با شبکه جهانی اینترنت دانست (ایزدی‌فرد و حسین‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۳۳).

## ۲. اینترنت

اینترنت، شبکه‌ای از شبکه‌های کامپیوتری است که زیرساخت سراسری شبکه‌ای بسیار وسیعی را تشکیل می‌دهد. اینترنت میلیون‌ها کامپیوتر را به یکدیگر ارتباط می‌دهد و به این ترتیب شبکه‌ای را می‌سازد که به وسیله آن هر کامپیوتری که به اینترنت متصل

باشد، می‌تواند با سایر کامپیوترهای متصل به اینترنت ارتباط برقرار کند. به عبارتی دیگر، اینترنت عبارت است از میلیون‌ها کاربر کامپیوتر که توسط خطوط تلفن و یا سایر خطوط یا روش‌های ارتباطی با یکدیگر متصل هستند (گروه تألیف و ترجمه بنیاد ICDL جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۱۶).

اینترنت موجب دسترسی آسان و سریع به حجم عظیمی از اطلاعات در کوتاه‌ترین زمان ممکن گردیده و هر روز در حال گسترش و توسعه می‌باشد؛ بطوری که امروزه مانند اشعه‌ای نور خود را بر پنج قاره جهان افکنده و دنیای شگفت‌انگیزی را بوجود آورده که با ورود در آن می‌توان مطالب فراوانی در شبکه‌ها و پایگاه آموخته و علاوه بر آن می‌توان به تمامی موضوعات موجود و قابل بررسی در جهان دست یافت (ایزدی‌فرد و حسین‌نژاد، ۱۳۹۵، ص ۳۳).

### ۳. فیلترینگ

چنانچه گذشت، فضای سایبر دارای تأثیرات گوناگون بر جوامع انسانی در فضای حقیقی است که در قالب مزایا و معایبی در جامعه جلوه‌گر خواهد بود. این فضا متشکل از فرصت‌ها، مزایا و در مقابل آن، آسیب‌ها و تهدیدات متعددی می‌باشد که پیش روی کاربران، گروه‌ها، جامعه، حکومت و دولت‌ها است. بر این اساس، فضای مجازی یک تیغه دولبه است و فرصت‌های زیادی را به همراه دارد، ولی اگر مدیریت نشود ممکن است آسیب‌ها و تهدیدهایش بر فرصت‌هایی که می‌سازد، غلبه کند. لذا اگر ملاحظات کافی از لحاظ ایمنی و امنیت ارائه شود، قطعاً می‌تواند بهره‌ور و فرصت‌آفرین باشد. اعمال فیلترینگ می‌تواند به عنوان یکی از راه‌های مهم در تحقق این امنیت شمرده شود. فیلترینگ عدم دسترسی به محتوای مجرمانه بر اساس قانون جرایم رایانه‌ای است. فیلتر یا پروکسی (proxy) معمولاً به عنوان بخشی از «دیوار آتش» سرویس‌دهندگان اینترنت مورد استفاده قرار می‌گیرد و نحوه کار آن به این صورت است که وقتی کاربر می‌خواهد در یک شبکه محلی به یک سرویس‌دهنده اینترنت دسترسی داشته باشد، یک درخواست از کامپیوتر به سرویس‌دهنده پروکسی می‌فرستد. سپس سرویس‌دهنده

پروکسی اطلاعات را از سرویس دهنده اینترنت به کامپیوتر درون شبکه داخلی می‌فرستد و به صورت دقیق‌تر پروکسی بسته‌های اطلاعات؛ یعنی اطلاعات در حال عبور از شبکه را مورد کنترل و بررسی قرار می‌دهد (اطلاعات در حال عبور شامل IP فرستنده و دریافت‌کننده همچنین پروتکل مورد استفاده برای ارسال بسته‌های اطلاعاتی و مواردی از این قبیل است) و می‌تواند انتقال بسته‌های مشخص از اینترنت به شبکه داخلی و برعکس را مسدود کند. فیلترینگ اینترنت در ایران عبارت است از اعمال سانسور، محدودیت و نظارت ساختاریافته و هدفدار بر دسترسی به محتوای وبگاه‌ها و استفاده از خدمات اینترنتی برای کاربران ایرانی. فیلترینگ در ایران بر اساس قوانین مصوب در مجلس شورای اسلامی اعمال می‌گردد و طیف گسترده‌ای از وبگاه‌های اینترنتی، از پورنوگرافی گرفته تا سیاسی را در بر می‌گیرد.

مصادیق محتوای مجرمانه که به عنوان موضوع ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ شمرده می‌شود و نسبت به آنها فیلترینگ اعمال می‌شود، فهرست بلندبالا و گسترده‌ای را شامل می‌شود که هر کدام در قوانین مختلف به صورت پراکنده ذکر شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. محتوا علیه عفت و اخلاق عمومی؛ جرایمی نظیر اشاعه فحشا و منکر، استفاده ابزاری از زنان، راه‌اندازی سایت‌های همسریابی بدون مجوز، تسهیل، تحریک، تشویق، ترغیب، تهدید یا تطمیع افراد به دستیابی به محتویات مستهجن و مبتذل و مواردی نظیر اینها.

۲. محتوا علیه مقدسات اسلامی؛ مانند اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن.

۳. محتوا علیه امنیت و آسایش عمومی؛ مانند تشکیل جمعیت، دسته، گروه در فضای مجازی (سایبر) با هدف برهم زدن امنیت کشور، تهدید به بمب‌گذاری، تحریک یا اغوای مردم به جنگ یا کشتار یکدیگر، انتشار اسرار محرمانه نیروهای مسلح و نظایر اینها.

۴. محتوا علیه مقامات و نهادهای دولتی و عمومی؛ مانند افترا و نشر اکاذیب نسبت به مقامات و نهادها و غیره.

۵. محتوایی که برای ارتکاب جرایم رایانه‌ای بکار می‌رود؛ همچون انتشار یا توزیع و در دسترس قرار دادن یا معامله داده‌ها یا نرم‌افزارهایی که صرفاً برای ارتکاب جرایم رایانه‌ای بکار می‌رود و جعل پایگاه‌های اینترنتی بانک‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی.

۶. محتوایی که تحریک، ترغیب یا دعوت به ارتکاب جرم می‌کند؛ مانند تبلیغ و ترویج مصرف مواد مخدر، مواد روان‌گردان و سیگار.

۷. محتوای مجرمانه مربوط به امور سمعی و بصری و مالکیت معنوی؛ نظیر عرضه تجاری آثار سمعی و بصری بدون مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تشویق و ترغیب به نقض حقوق مالکیت معنوی.

۸. محتوای مجرمانه مرتبط با انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری؛ مانند درج محتوای تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی خارج از مدت زمان مقرر شده برای فعالیت انتخاباتی و مواردی مانند آن (سایت رسمی کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه: <http://internet.ir>).

#### ۴. تحلیل ادله فقهی اعمال فیلترینگ

با روشن شدن مفهوم فضای مجازی و فیلترینگ، در این قسمت، به تحلیل ادله وجوب اجرای فیلترینگ در فضای مجازی می‌پردازیم.

۴-۱. قاعده نفی سبیل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
قاعده نفی سبیل می‌تواند به عنوان یکی از ادله مهم وجوب اعمال فیلترینگ در فضای مجازی شمرده شود.

این قاعده مهم مأخوذ از آیات و اخبار مستفیض بوده؛ بطوری که بر آن اجماع اقامه شده و فقها در موارد کثیری آن را مبنای استنباط احکام فرعیه قرار داده‌اند. حرمت هر عملی که سبب شود دشمنان دین و یا غیر مسلمان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمان یا مسلمانان پیدا کنند، طبق این قاعده روشن است (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۸۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۴۳؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۳۹-۲۳۸).

این اصل یکی از اصول مهم حاکم در کشورهای اسلامی است که سابقه تاریخی نیز دارد؛ از جمله در فتوای تحریم تنباکو توسط «میرزای شیرازی» و نفی قانون کاپیتولاسیون توسط امام خمینی<sup>1</sup>، به قاعده نفی سبیل استناد شده است.

در قرآن و سیره پیامبر، اصل بر نفی سلطه کفار بر مسلمانان می‌باشد. سلطه کفار؛ اعم از سلطه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و ... ممنوع می‌باشد (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۳۵۷). علاوه بر روابط فردی مسلمانان با کفار، روابط اجتماعی آنان نیز بر همین مبنا شکل گرفته و تخطی از آن پذیرفته نیست؛ همانگونه که این نکته را می‌توان در آیه شریفه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۴): (۱۴۱) استظهار نمود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۷۵).

در اثبات قاعده نفی سبیل، صاحبان کتب قواعد فقهی، به ادله‌ای همچون آیات، روایات، اجماع و عقل تمسک نموده‌اند. گرچه در این میان، استدلال به اجماع و عقل مورد مناقشه قرار گرفته است، ولی در مجموع از آنجا که آیه نفی سبیل و حدیث نبوی «الْإِسْلَامُ يَغْلُو وَ لَا يُغْلَى عَلَيْهِ وَ الْكُفَّارُ بِمَنْزِلَةِ الْمَوْتَى لَا يَحْجُبُونَ وَ لَا يَرْتُون»<sup>۲</sup> (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۳۴) به نحو صریحی بر قاعده نفی سبیل دلالت دارند و فقها نیز با توجه به این مدارک، پذیرش این قاعده را به صورت قطعی پذیرفته‌اند، نگارندگان به دلیل پرهیز از اطاله کلام، از طرح این مباحث خودداری می‌کنند (بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۸۷؛ حسینی شیرازی، ۱۴۱۳ق، ص ۶۳-۶۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۴۲-۲۳۳؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۲۴۸-۲۳۸).

اگرچه به مجرد آنکه سخن از اعمال قدرت و سلطه به میان می‌آید، همه نظرها به زور، ابزارهای خشونت، ارتش و ... معطوف می‌گردد؛ در حالی که ابزارهای غیر مادی اعمال قدرت به مراتب از اهمیت بیشتری برخوردارند. اعمال زور و خشونت، آخرین حربه و آخرین مرحله اعمال قدرت است، در عین حال، عریان‌ترین وجه اعمال قدرت و رایج‌ترین آن در تاریخ سیاست نیز هست. اما به مرور زمان راه‌های غیر خشونت‌آمیز کارآیی بیشتری پیدا می‌کنند. از جمله این راه‌ها که می‌تواند موجب تسهیل رسیدن دشمنان اسلام به مقاصد شومشان شود، ایجاد سایت‌هایی است که مضامین آنها خلاف



شؤونات اسلامی می‌باشد که می‌تواند زمینه‌ساز اعمال ولایت کفار و سلطه دشمنان دین شمرده شود و در پاره‌ای از موارد سبب تحقق سبیل کفار و دشمنان دین می‌شود. گفتنی است مسلمانان باید مراقب باشند که کفار بر آنها سلطه پیدا نکنند، این سلطه به هر رنگی باشد، منفی و مذموم است. به عبارت دیگر، از نظر اسلام، استقلال دولت و ملت مسلمان، عدم سلطه و حاکمیت کفار بر مسلمانان است. بر اساس قاعده معروف فقهی نفی سبیل، کافر هیچ نوع ولایت و سلطنت در عرصه‌های مختلف زندگی؛ اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... بر مسلمان ندارد (هاشمی شاهرودی و جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۴۵۱). واژه «سبیل» در آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ...» نکره در سیاق نفی است. از این رو، عموم را می‌رساند و اختصاصی به غلبه مؤمنان بر کافران به وسیله دلیل و برهان و نیز پیروزی در آخرت ندارد؛ بلکه از نظر نظامی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و خلاصه از هیچ‌نظر، خداوند هیچ‌گونه حقی به کفار نداده است تا بر افراد با ایمان چیره بشوند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۴۶). در این آیه منظور از «جعل» جعل تشریحی است؛ یعنی اینکه خدا حکمی را که باعث تسلط کافر بر مؤمن باشد، تشریح نکرده است. بنابراین، هر حکمی در عمومیت خود مستلزم تسلط کافر بر مؤمن باشد، با این آیه تخصیص می‌خورد و یا مقید می‌شود (جعفری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۵۹۷).

دشمن تلاش می‌کند از طریق سازوکارهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، دینی و سیاسی راهی برای خود باز کند و ساختارهای مختلف فرهنگی، اجتماعی، دینی، اقتصادی و سیاسی جامعه را تحت تأثیر قرار دهد و در نهایت طبیعتاً به دنبال استحاله است. ممکن است نمادهای سلطه کافران بر مسلمین در قالب سایت‌های انحرافی به صورت‌های متعددی شکل بگیرد که می‌توانیم فیلترینگ را به عنوان سیاستی در مقابل نفوذ دشمن و عملی شدن نقشه‌های پلید وی بدانیم. قبل از بیان این صور، باید در نظر داشت که ممکن است مدیریت این دسته از سایت‌ها توسط کفار و دشمنان اسلام و یا توسط افراد خودی صورت پذیرد که در این صورت مانند آن است که توسط خود کفار مدیریت می‌شوند؛ چراکه آن دسته از افرادی که به نفع کفار کار می‌کنند و راه تسلط کفار بر مسلمانان را هموار می‌نمایند، در ردیف کافران قرار می‌گیرند (امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۷-۴۸۶).

#### ۴-۱-۱. سلطه فکری

ممکن است کفار و دشمنان اسلام به خاک ما تجاوز نکنند، اما بکوشند تا مغز ما را تصرف کنند و کاری کنند که ما آنطور بیندیشیم که آنها می‌پسندند. توفیق دشمن در ایجاد چنین طرز فکری بمنزله موفقیت او در تسخیر کشور ما و نقض استقلال است. با حفظ این مطلب، بسیاری از سایت‌های انحرافی، حاوی مطالب و مضامین و برنامه‌هایی هستند که می‌تواند در افکار کاربران مراجعه‌کننده مؤثر باشد؛ اعم از اینکه این سایت‌ها توسط کفار و دشمنان اسلام طراحی شده باشند و یا اینکه توسط افراد سودجوی خودی طراحی و مدیریت شوند. لذا برای عدم تحقق سلط فکری در فضای مجازی، چاره‌ای جز استفاده از فیلترینگ در مواجهه با اینگونه از سایت‌ها نیست. نفی سلطه فکری کفار در فضای مجازی، می‌تواند به این معنا باشد که با فیلترنمودن سایت‌هایی که حاوی برنامه‌های انحرافی تأثیرگذار در فکر و روان کاربران است، مسلمانی دل‌داده فکری آنها نشود و فراموش نکنیم که خداوند از مؤمنان خواسته تا در برابر کفار شدت عمل داشته باشیم (فتح (۴۸): ۲۹).<sup>۳</sup>

#### ۴-۱-۲. سلطه فرهنگی

فرهنگ هر جامعه دارای ارزش و جایگاه برجسته‌ای بوده و اساس شکل‌گیری و همبستگی افراد آن جامعه را تشکیل می‌دهد. از این رو، هر جامعه‌ای سعی در حفظ و انتقال فرهنگ خود به نسل‌های بعد داشته و در جهت شکوفایی و رشد هر چه بیشتر آن تلاش می‌کند. مسلمانان باید مراقب باشند که کفار بر آنها سلطه فرهنگی پیدا نکنند. افراد کشور باید دقت داشته باشند که سلطه فرهنگی برای نابود ساختن اخلاق و متزلزل کردن پایه‌های ایمان و در نتیجه سلطه فرهنگی بر کشورهای اسلامی که باعث نابودی دین و دنیای آنها می‌شود، محقق نشود. سلطه فرهنگی از سلطه نظامی، سیاسی و اقتصادی خطرناکتر است. سلطه فرهنگی، اگرچه پس از صرف زمان زیادی بازدهی خود را نشان می‌دهد، ولی نباید فراموش کرد که به همین مقدار نیز دیر از پا در می‌آید و ملتی که هویت فرهنگی خود را از دست داده باشد، به زودی نمی‌تواند به حالت عادی برگردد. خطرات ناشی از تهاجم فرهنگی به حدی است که حضرت امام 1

فرمودند: «ما آنقدر از تهدید نظامی و محاصره اقتصادی نمی‌ترسیم که از وابستگی فرهنگی می‌ترسیم» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲، ص ۲۵۲).

انقلاب اسلامی ایران که به عنوان بزرگترین حادثه قرن شناخته می‌شود، دشمنان اسلام در مبارزه با آن از انحای مختلفی چون نظامی (جنگ هشت ساله)، اقتصادی (محاصره اقتصادی ایران)، سیاسی (انزوای سیاسی ایران) استفاده نموده‌اند. پس از آنکه در همه آنها شکست خورده‌اند، به تهاجم فرهنگی علیه ایران روی آورده‌اند. آنها با استفاده از شیوه‌های گوناگون فرهنگی و حرب‌های مختلفی که قسمت عمده‌ای از آن در فضای مجازی توسط سایت‌ها مدیریت می‌شود، سعی دارند با انقلاب اسلامی ایران مبارزه کنند و جلوی صدور آن را بگیرند. از جمله ابزارهای دشمنان اسلام برای گسترش سلطه فرهنگی خود در ایران، نشر انواع جزوات، اخبار، سی‌دی‌ها، فیلم‌ها و مطالبی است که عمدتاً در فضای مجازی بوده و باعث توزیع فساد در بین مسلمین و پیدایش تغییرات فرهنگی در جامعه به نفع آنها می‌شوند. این ترندها در فضای مجازی، به عنوان راهزنان حیا، عفاف و حجاب شده‌اند و گروه‌های شیطنانی در این فضا مدام حب و بغض مخاطبان‌شان را با تکنیک‌های روانشناسانه جابجا می‌کنند. تعداد زیادی از سایت‌ها با ایجاد تنش‌های فرهنگی، دست به تخریب افراد، شخصیت‌ها و مقدسات مردم زده و به صورت‌های مختلف، سبب ایجاد چالش و آسیب‌هایی در سطح جامعه و ناامنی‌های اجتماعی می‌شوند. لذا برای جلوگیری از تهاجم فرهنگی در فضای مجازی، چاره‌ای نیست که این دسته از سایت‌هایی که حاوی برنامه‌های انحرافی فرهنگی هستند، فیلتر شوند؛ چراکه فیلتر کردن این دسته از سایت‌ها، هدف شوم تهاجم فرهنگی را از ناحیه آنها تسهیل می‌کند.

#### ۳-۱-۴. سلطه سیاسی

یکی از راه‌هایی که سبب می‌شود دشمنان دین و یا غیر مسلمان راهی برای سلطه و ولایت بر مسلمان یا مسلمانان پیدا کنند، سلطه سیاسی است (مؤمن، ۱۳۸۲، ش ۳۵، ص ۱۳۴). بسیاری از سایت‌ها حاوی مطالبی بر ضد سیاست‌های اسلامی و مسلمین

هستند که در قالب برنامه‌های متنوعی چون نوشته‌ها، فیلم‌ها و تصاویر به تبلیغ اینگونه از برنامه‌ها می‌پردازند. برخی از این مطالب که در شکل شایعات سیاسی ظاهر می‌شوند، به حدی هستند که سبب ایجاد تنش و ناآرامی در جامعه می‌شوند؛ بطوری که گاهی رفع آن تنش‌ها و ناآرامی‌ها و بازگرداندن آرامش و امنیت به افکار عمومی، برای دولت‌ها هزینه‌های گزافی دارد. شایعاتی که خبر از بیماری، مرگ، کناره‌گیری، فساد مالی یا اخلاقی و در نهایت عزل و نصب سیاستمداران دارد. نوع پرحاشیه اینگونه شایعات در مواردی است که اخبار کذبی در مورد اقدامات خاص دولت‌ها منتشر می‌شود که مدعی افشاگری یا حاکی از حمله نظامی به کشور، درگیری در مرزها، تظاهرات یا شورش‌های سیاسی است. گاه دشمن از طریق به‌قدرت‌رساندن جاسوسان خود و یا کسانی که جاسوس نیستند، اما طوری می‌اندیشند که دشمن می‌پسندد و یا خریدن برخی از مقامات کشور و یا فراهم‌ساختن تله‌های جاسوسی برای آنان، از اینگونه شایعات شنیع استفاده می‌کند تا در تصمیم‌سازی‌های سیاسی ممالک اسلامی به نفع منافع نامشروع خود نفوذ کند. در این موارد می‌توان با استفاده از فیلترینگ و مسدود نمودن این نوع از سایت‌ها، دامنه پیامدهای سیاسی و اجتماعی ناشی از آن را که گاهی جبران آن برای دولتمردان آن کشور بسیار سخت و حتی ناممکن است، مهار نمود.

۴-۱-۴. سلطه دینی

از آنجا که دین اسلام جهت گسترش حاکمیت دین الهی تشریح شده است؛ حاکمیتی که صلاح دنیا و آخرت مردم در پرتو آن تحقق می‌یابد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۶۰۶)، اجازه سلطه دینی بر مسلمانان را به هیچ غیر مسلمانی نمی‌دهد. حتی فلسفه جهاد در اسلام با توجه به قید «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» در آیه «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (آل عمران: ۳۹: ۱۶۷) برای این است که دین الهی که مایه صلاح دنیا و آخرت مردم است، در عالم سلطه یابد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۶۱). سلطه دینی یکی از برنامه‌ها و ابزارهای نفوذ و سلطه استعمار غرب بر کشورهای اسلامی است که غرضشان قراردادن اعتقادات کشورهای

اسلامی و نابودی ارزش‌های دینی آنهاست. غیر مسلمانان و دشمنان اسلام به شدت در صدد استیلای دینی بر مسلمانان بوده و هستند؛ چنانچه می‌توان این نکته را از آیه «وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مَلَّتَهُمْ» (بقره (۲): ۱۲۰) استفاده نمود (میبدی، ۱۳۶۱، ج ۱۰، ص ۶۹). با حفظ این مطلب، در عصر کنونی دشمن می‌کوشد در فضای مجازی با استفاده از شیوه‌های مختلفی همچون بارگذاری جزوات و نوشته‌ها، فیلم‌ها و عکس‌ها در سایت‌ها، ناکارآمدی دین اسلام و احکام آن را بیان نماید و افراد جامعه را از ارزش‌های دینی و اعتقادات مذهبی دور نماید. در حال حاضر بسیاری از سایت‌ها با تبلیغ مذاهب و فرق ضاله، این هدف را دنبال می‌کنند که باورهای دینی کاربران و بازدیدکنندگان خود را به چالش کشیده و زمینه سست شدن اعتقادات را در آنها فراهم کنند. گردانندگان این صفحات که بطور حتم از سوی دشمنان اسلام و معاندان جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی و حمایت می‌شوند، با استفاده از آموزش‌های به اصطلاح منطقی خود سعی در ایجاد چالش در مسائل دینی می‌کنند. آنها این کار را با ارائه مثال‌های مبهم و ایجاد سفسطه، زمینه بروز شک و تردید را در بین کاربران خود بوجود آورده و سبب می‌شوند تا سؤالات متعددی در ذهن افراد در زمینه باورها و اعتقادات دینی ایجاد شود. سپس گردانندگان این صفحات مجازی با ارائه جواب‌هایی هدفمند به سؤالات ایجادشده برای کاربران، زمینه سست شدن ایمان قلبی را در آنها بوجود می‌آورند. طبیعتاً در این موارد می‌توان با استفاده از فیلترینگ تا حدود زیادی مانع تحقق اهداف دشمن در فضای مجازی شد.

#### ۴-۲. حرمت حفظ کتب ضلال

از جمله دلایلی که می‌تواند به عنوان مستند و جوب اعمال فیلترینگ در فضای مجازی قرار گیرد، ادله حرمت حفظ کتب ضلال است. فقها در حکم حرمت حفظ کتب ضلال به مستندات چون آیات،<sup>۴</sup> روایات،<sup>۵</sup> اجماع (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۲۰۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۹ق، ج ۸، ص ۶۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۵۹-۵۸) و حکم عقل به برداشته شدن ماده فساد (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۳۳) استناد جسته‌اند.

نقد و بررسی اقوال و ادله فقها در این زمینه بسی طولانی است و خود، تحقیق مستقلی را می‌طلبد، ولی در مجموع می‌توان گفت فقها حفظ و نگهداری کتبی که انحراف ناشی از آن قطعی بوده و یا در حد احتمال قریب به یقین، محتمل گمراهی است، حرام می‌دانند (همان، ص ۲۳۴). با در نظر گرفتن حرمت حفظ کتب ضلال و وجوب از بین بردن این کتب، می‌توان به دو نکته ذیل نیز دست یافت:

**نکته اول:** زمانی که حفظ کتب ضاله حرام باشد، تألیف و ایجاد و نگارش آن از باب مفهوم موافق، به طریق اولی از نوع اولویت قطعیه، می‌تواند حرام در نظر گرفته شود؛ چراکه با توجه به وجوب نهی از منکراتی چون حفظ کتب ضلال، به طریق اولی ایجاد آن منکر می‌تواند حرام باشد. همچنین نگارش این کتب، با در نظر گرفتن گمراهی ناشی از آن و از باب حرمت اعانه بر اثم حرام است.

**نکته دوم:** به نظر می‌رسد مراد از کتاب، کتاب مصطلح و یا روزنامه و اطلاعیه یا مجلات و نشریات باشد. همچنین از باب تنقیح مناط و الغای خصوصیت، می‌توان کتاب را اعم از نوشته‌های سنتی و یا مجازی دانست؛ چراکه نوشته‌های سنتی از باب اینکه موجب اضلال و گمراهی افراد می‌باشند، حفظ و نگهداری آنها حرام است و به تبع آن از بین بردن آنها واجب است. لذا اگر این مناط در نوشته‌های مجازی وجود داشته باشد، حفظ و نگهداری این نوع نوشته‌ها نیز حاوی حکم تکلیفی حرمت است و به تبع آن از بین بردن آنها واجب می‌باشد. از طرفی با توجه به مناط حرمت نگهداری کتب ضلال از آن جهت که بر حسب ظاهر و در غالب اوقات خواندن و مطالعه آن کتاب‌ها و دسترسی افراد به محتوای آن کتب را به همراه دارد و موجب گمراهی خوانندگان آن کتاب می‌شود، حرام است. بر این اساس، سایت‌هایی که حاوی نوشته‌های ضلالت‌آور است، از آن جهت که مورد بازدید و مطالعه کاربران است و باعث گمراهی و ضلالت آنها می‌شود، مشمول حکم حرمت می‌شود و از بین بردن آنها واجب است. حتی می‌توان با در نظر گرفتن مناسبت بین حکم و موضوع در آیات و روایات و یا با استفاده از تنقیح مناط، مواردی همچون فیلم، ویدیو، آهنگ، اسلاید و انواع و اقسام برنامه‌های کامپیوتری، در صورتی که موجب ضلالت شوند، مشمول حکم حرمت دانست.

بکاربردن تنقیح مناط و الغای خصوصیت و تسری حکم به هر چیزی که شأنیت گمراه کردن را داشته باشد، در میان فقها سابقه هم دارد؛ چنانچه «سیدکاظم طباطبایی» در حاشیه خودش بر مکاسب معتقد است:

آنچه ادله ارائه شده اقتضا دارد، وجوب ازبین بردن (حرمت حفظ) تمام چیزهایی است که باعث گمراهی می شود و «کتب» هیچ ویژگی خاصی ندارد. بنابراین، غیر از کتاب، هر چیزی هم که شأنیت گمراه کردن دارد، حفظش حرام است؛ مانند مزار، مقبره، مدرسه و... بنابراین، بهتر بود که عنوانی عام و فراگیر انتخاب شود که شامل همه مصادیق بشود و چه بسا غرض فقها از انتخاب این عنوان (کتب ضلال) بیان مثال باشد، نه محدود کردن موضوع؛ چون آنچه در این باب بیشتر مطرح و مبتلابه است، «کتاب» است (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۸، ص ۲۳).

با در نظر گرفتن دو نکته فوق، مدیریت و بروزرسانی نمودن سایت هایی که حاوی نوشته ها و یا فیلم و عکس و اسلاید و آهنگ و یا بطور کلی مشتمل بر برنامه هایی که شأنیت گمراه کردن را دارا می باشند (که در واقع این مدیریت و بروزرسانی نمودن، حفظ نمودن این دسته از سایت ها است)، حرام است و به تبع آن اتلاف و ازبین بردن این دسته از سایت ها مشمول حکم تکلیفی وجوب است. لذا می توان اعمال فیلترینگ را از باب حرمت حفظ کتب ضلال و وجوب اتلاف آن کتب، واجب دانست.

**اشکال:** مقتضای ادله حرمت حفظ کتب ضلال و وجوب اتلاف آن کتب، ازبین بردن سایت های انحرافی است؛ در حالی که ماهیت فیلترینگ، - چنانچه تبیین آن گذشت - عدم دسترسی کاربر به محتوای سایت است، نه ازبین بردن آن سایت، لذا با توجه به حرمت حفظ کتب ضلال و وجوب اتلاف آن کتب، نمی توان وجوب اعمال فیلترینگ در فضای مجازی را استنتاج نمود.

**پاسخ:** اگرچه مقتضای ادله حرمت حفظ کتب ضلال و وجوب اتلاف آن، ازبین بردن سایت های انحرافی است و به تعبیر دیگر، مسدودسازی آن سایت ها است، ولی باید در نظر داشت که ازبین بردن این سایت ها بسی دشوار و حتی در بسیاری از

مواقع و در غالب اوقات ناممکن است. لذا با توجه اصل تنزل تدریجی که به عنوان اصل عقلائی مورد پذیرش عقلا در نظر گرفته می‌شود، می‌توان مرحله پایین‌تر از آن؛ یعنی عدم دسترسی و بازدید کاربر به آن سایت‌ها را - که مقتضای ماهیت فیلترینگ است - به اثبات رساند.

توضیح اینکه اگر امری برای عقلا مطلوب بود، ولی به دلایلی تحقق آن مشکل یا ناممکن گشت، بطور کلی دست از آن بر نمی‌دارند، بلکه مرتبه نازلتر آن را انجام می‌دهند و به تعبیر دیگر، از اهم دست می‌کشند و به مهم می‌پردازند. اساساً درجه‌بندی اهمیت امور به همین منظور است که اگر به دلیل شرایطی امر درجه اول ناممکن یا مشکل شد، امر درجه دوم را جایگزین و بدل قرار دهند. بر اساس مقتضای ادله حرمت حفظ کتب ضلال و وجوب اتلاف آن کتب، از بین بردن سایت‌های انحرافی واجب است. از طرفی از بین بردن سایت‌های انحرافی، مشکل و یا ناممکن است که در این مورد می‌توان با استناد به اصل «تنزل تدریجی» مرحله پس از اتلاف و از بین بردن سایت‌های انحرافی؛ یعنی مرحله اعمال فیلترینگ و عدم دسترسی کاربران به سایت‌های انحرافی را واجب دانست.

#### ۳-۴. قاعده حفظ مصلحت

از قواعد مهم فقهی که آیات قرآن و روایات مستفیض بر آن تأکید داشته و فقها نیز در موارد کثیری مبنای استنباط احکام قرار داده‌اند، قاعده مصلحت می‌باشد (شعرانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۴۶۱). صلاح، ضد فساد است، مصلحت در چیزی؛ یعنی وجود خیر در آن (فیومی، بی تا، ج ۱، ص ۳۴۵). از دیدگاه صاحب‌نظران، وضع احکام بر اساس مصالح و مفاسد می‌باشد؛ چنانچه «میرزای نائینی» در این مورد می‌نویسد:

راهی برای انکار تبعیت احکام از مصالح و مفاسد در متعلقات نیست؛ زیرا در افعال با قطع نظر از امر و نهی شارع، مصالح و مفاسدی نهفته است و همین مصالح و مفاسد، علل و مناطات احکام هستند (نائینی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۵۹).



مصلحت از جمله مقومات مهم و حیاتی است که دین نمی‌تواند در قبال آن سکوت کند. به عبارت دیگر، اهمیت مصلحت آن را در زمره مقولاتی قرار داده که دین حتماً در خصوص آن نظر و راهکار خاص دارد. از آنجا که این مصالح با امر حکومت مرتبط هستند، اصل فهاهت که برای حل مسأله حکومت ارائه شده، حوزه مصالح را نیز پوشش می‌دهد (افتخاری، ۱۳۹۲، ش ۱، ص ۹۰). عنصر مصلحت به تنهایی و بدون هیچگونه قیدی می‌تواند در تمامی احکام الزامی و غیر الزامی و در همه مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... پایه احکام حکومتی قرار گیرد و مصلحت‌سنجی‌هایی که از سوی حاکم در خارج از چارچوب احکام فرعیه اولیه صورت می‌گیرد، لزوماً به استناد عناوین ثانویه نیست (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۲۰۲).

مصلحت‌اندیشی در اداره حکومت یک امر حقی است؛ چراکه یک حکم عقلی و شرعی است که باید مصلحت جامعه و منافع عمومی و ملی را بر منافع فردی و منطقی اشخاص و گروه‌ها ترجیح داد. به عبارت دیگر، یک نوع مصالح پیش‌بینی‌نشده وجود دارد که به نظر کارشناسان و اگذار شده که طبق این مصالح، زیر نظر ولی فقیه و فقیهان، قوانین مربوط وضع بشود و این قوانین تماماً جزء احکام اولیه هستند و در عین حال، بر تمامی احکام اولیه که جنبه خصوصی دارند، مقدمند (معرفت، ۱۳۷۶، ش ۱۴، ص ۷۱). نظام اسلامی در سیاست‌های ملی و بین‌المللی خود باید همواره مصلحت اسلام، نظام اسلامی و مسلمین را در نظر بگیرد. منافع ملی در نظام اسلامی با منافع ملت اسلام پیوند خورده است. به سخن ساده‌تر، این حاکم اسلامی است که می‌تواند مصالح سیاسی - اجتماعی را تشخیص دهد و به مقتضای زمان در این باره تصمیم بگیرد.

با حفظ مطالب فوق، بدون شک منشأ قاعده مصلحت در بحث حاضر، مصالح سیاسی - اجتماعی است. با توجه به اینکه ایجاد سایت‌های مخالف با قانون و هنجارهای اسلامی ترویج فساد؛ خصوصاً فسادهای اخلاقی، اعتقادی، سیاسی و مالی در میان افراد جامعه را در پی دارد، می‌توان با در نظر گرفتن مقتضای قاعده مصلحت، و خوب اعمال فیلترینگ را استنتاج نمود.

#### ۴-۴. ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی

با توجه به وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر و ارشادی بودن نصوص دال بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر به سوی حکم عقل (طوسی، ۱۳۷۵ق، ص ۱۴۷-۱۴۶؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۴۵۶؛ امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۴)، می‌توان امر به معروف و نهی از منکر را در فضای مجازی نیز واجب دانست؛ چراکه قائلین به وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر به دلایلی چون قاعده لطف (شهید اول، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۰۸؛ سیوری، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۹۲)، مقدمه حفظ نظام (عراقی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۵۳۱)، لزوم جلوگیری از معصیت (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۴) و مصلحت جامعه (منتظری، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۲۱۴) تمسک جسته‌اند. از واضحات است که در تمامی این ادله از نظر عقل، تفاوتی در اشکال معصیت و شیوه‌های مختلف جلوگیری از آن نیست، بلکه عقل به صورت مطلق اقدام به عمل زشت و مبعوض خداوند را ناپسند می‌شمارد. لذا با توجه به وجود منکرات و برنامه‌های منفور خدا در فضای مجازی، عقل امر به معروف و نهی از منکر را در فضای مجازی واجب می‌داند. بر فرض اینکه مطابق با سخنان بعضی از فقها، امر به معروف و نهی از منکر وجوب عقلی نداشته باشد، باز هم می‌توان با توجه به اطلاقات ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر، آن را در فضای مجازی واجب دانست؛ زیرا در آیاتی چون آیه ۷۱ سوره مبارکه توبه، آیه ۱۱۰ سوره مبارکه آل عمران و روایاتی همچون روایت «ابوسعید زهری»<sup>۶</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶-۵۷؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۷۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۱۸-۱۱۷) و روایت «محمد بن عرفه»<sup>۷</sup> (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۷۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۱۸) امر به معروف و نهی از منکر واجب شده است. اطلاق این ادله می‌تواند شامل امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی نیز بشود. همچنین از راه تنقیح مناط نیز می‌توان وجوب امر به معروف و نهی از منکر را در فضای مجازی به اثبات رساند؛ چرا که مناط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، احیای دین و اصلاح عوام و سوق دادن آنها به راه رستگاری و سعادت و پرهیز از کارهای ناشایست و ناپسند

و تسلط نیافتن اشرار بر جامعه است؛ چنانچه می‌توان این نکته را از سخنان امام علی 7 در «نهج البلاغه» استنتاج نمود (نهج البلاغه، حکمت 244). بدون شک این مناط در فضای مجازی نیز که به عنوان بازتابی از فضای واقعی است، وجود دارد. لذا امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی از باب تنقیح مناط نیز می‌تواند واجب باشد. حال با اثبات وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، مراتب آن نیز در این فضا واجب است و هر یک از مراتب هم با در نظر گرفتن قدرت افراد و احتمال تأثیر، معین می‌شود. فیلترینگ سایت‌های انحرافی می‌تواند در کنار اعمالی چون هک نمودن سایت‌های انحرافی، به عنوان یکی از مهمترین مصادیق آخرین مرحله از امر به معروف؛ یعنی مرتبه عمل و استفاده از قدرت در نظر گرفته شود و مانع از دسترسی کاربران به این نوع از سایت‌ها شود. لذا اعمال فیلترینگ می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین عوامل در اجرای نهی از منکرات در فضای مجازی در نظر گرفته شود. بر این اساس، با توجه به وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی و شمرده شدن اعمال فیلترینگ به عنوان یکی از مهمترین مصادیق مرحله سوم امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، وجوب اعمال فیلترینگ در فضای مجازی ثابت می‌شود.

### پاسخ به مناقشه در وجوب اعمال فیلترینگ در فضای مجازی

با در نظر گرفتن مجموع دلایل ارائه شده بر وجوب اعمال فیلترینگ در فضای مجازی نسبت به سایت‌های انحرافی، اگرچه می‌توان وجوب آن را استنتاج نمود، ولی در عین حال ممکن است با مناقشه‌ای به شرح ذیل مواجه شویم:

هرچند ممکن است مقتضای ادله‌ایی چون «قاعده نفی سبیل»، «حرمت حفظ کتب ضلال»، «قاعده مصلحت و امر به معروف و نهی از منکر»، فیلتر نمودن سایت‌های انحرافی در نظر گرفته شود، ولی انجام این عمل می‌تواند منافی با «قاعده لاضرر» باشد. توضیح اینکه قاعده فقهی و اجتماعی لاضرر، از قواعد مهم و ریشه‌ای است که در مسائل مهم عبادی، اقتصادی و حقوقی بدان استناد می‌کنند. این قاعده، هرگونه ضرر و

زیان مالی، جانی و حقوقی را نفی و از مسلمانان و بلکه از همه افراد بشر سلب می‌کند و این خود از ویژگی‌های قوانین اسلامی است و از دیر زمان، فقیهان و اسلام‌شناسان، آن را بطور مستقل تبیین نموده‌اند. قاعده لاضرر مستند به برخی از آیات قرآن کریم است. مانند: آیه «وَلَا يُضَارُّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ» (بقره (۲): ۲۸۲) و آیه «لَا تُضَارُّ وَالِدَةُ بَوْلِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلُهُ» (بقره (۲): ۲۳۳) است. در روایات اسلامی نیز تحمیل و تحمل ضرر، نفی شده است که از جمله این روایات می‌توان به حدیث «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۲) اشاره نمود.

بررسی مستندات این قاعده بسی طولانی است و خود تحقیق مستقلی را می‌طلبد. لذا از بیان آن پرهیز می‌کنیم.<sup>۸</sup> ولی در مجموع شکی در صحت این قاعده نیست؛ بطوری که روایات در این زمینه به اندازه‌ای فراوانند که «فخرالمحققین» در «ایضاح» (حلی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۴۸) ادعای تواتر کرده است و بعضی از صاحب‌نظران نیز آن را از قواعد مسلم بین فقها دانستند (عراقی، ۱۴۲۰ق، ص ۳۴۰-۳۰۱).

در یک نگاه کلی می‌توان گفت که دقت در بافت و متن احادیثی همچون حدیث نبوی مشهور (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۹۲) نشان می‌دهد که قاعده لاضرر، حامل این معناست که احکام الهی، اعم از وضعی و تکلیفی، مبتنی بر نفی ضرر بر مردم وضع گردیده‌اند و چنانچه شمول قوانین و مقررات اجتماعی در موارد خاصی موجب زیان بعضی بر بعض دیگر گردد، آن قوانین مرتفع هستند و ارزش عملی ندارند (نراقی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۰۸). مراد از نفی ضرر، مشروعیت نداشتن ضرر در احکام تکلیفی و وضعی است. به بیان دیگر، هر حکمی که از طرف شارع مقدس تشریح می‌شود، اگر مستلزم ضرر باشد؛ اعم از ضرر بر نفس مکلف یا غیر او یا ضرر مالی و ... حکم مزبور با توجه به ضرر داشتنش، به موجب قاعده لاضرر از صفحه تشریح دفع می‌شود و در این مورد می‌توان گفت که لاضرر بر سایر داله حکومت دارد (عراقی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۴۸).

امروزه اهمیت علم و دانش بر بشریت مخفی نیست. همه مکاتب بشری و ادیان آسمانی بر کسب علم و دانش تأکید دارند و پیشرفت و ترقی در مسیر علم را

افتخارآمیز می‌شمارند. در این میان دین مبین اسلام بیش از هر دین و آیین دیگری به علم بها داده و انسان‌ها را به تعلیم و تعلم فرا خوانده است (فاطر(۳۵): ۲۵؛ بقره(۲): ۱۶۹؛ انعام(۶): ۱۲۲؛ زمر(۳۹): ۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳-۳۰). لذا به دنبال علم رفتن می‌تواند منافع مهم و عظیمی را برای بشر به همراه داشته باشد؛ بطوری که در صورت فقدان علم، تحصیل آن منافع برای بشر ممکن نیست و بشر متحمل ضرر می‌شود. از طرف دیگر، در عصر کنونی بسیاری از سایت‌های ضاله، مشتمل بر مطالب مفید علمی هستند که فیلتر نمودن این دسته از سایت‌ها بخاطر منافع زیاد علم، مستلزم ضرر قابل توجهی به بازدیدکنندگان آن سایت‌ها می‌باشد. لذا اعمال فیلترینگ در بعض موارد، می‌تواند مخالف با مقتضای قاعده لاضرر تلقی شود. از این رو، مقتضای قاعده لاضرر، فیلتر نکردن این دسته از سایت‌ها است.

اگرچه ممکن است فیلترینگ بعضی از سایت‌ها، مستلزم ضرری چون منفعت‌نبردن از علم و نکات موجود در آن سایت فیلتر شده را به همراه داشته باشد، لکن فیلتر نکردن این دسته از سایت‌ها با توجه به دلایلی چون انحرافات دینی و اعتقادی و فسادهای اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ...، بر خلاف ادله‌ای چون قاعده نفی سبیل، ادله حرمت حفظ کتب ضاله، قاعده مصلحت و نیز بر خلاف مقتضای ادله امر به معروف و نهی از منکر است. لذا مقتضای قاعده لاضرر در رابطه با فیلترینگ بعضی از سایت‌ها منافات با مقتضای قاعده نفی سبیل، ادله حرمت حفظ کتب ضاله، قاعده مصلحت و ادله امر به معروف و نهی از منکر است. بدیهی است که بین قاعده لاضرر با قواعدی چون قاعده نفی سبیل و قاعده مصلحت به هیچوجه تعارضی نیست. بلکه رابطه آنها در این گونه موارد از نوع «تزامم» است؛ زیرا لازمه نفی ضرر در مقام تشریح و قانونگذاری، سلطه و تسلط دشمنان اسلام و خلاف مصلحت نیست، ولی گاه اجرای قاعده نفی ضرر به همراه قاعده نفی سبیل و قاعده مصلحت به صورت همزمان در بعضی از موارد همچون مسأله مورد نظر، ناممکن است. لذا مسأله مورد نظر از موارد التزامم است. توضیح اینکه بین تعارض و التزامم، تفاوت جوهری وجود دارد. تعارض، تنافی بین دو دلیل در مرحله قانونگذاری و تشریح و وضع دو دلیل است؛ در حالی که

تزام، تنافی بین دو دلیل در مرحله اجرا و امتثال دو حکم است (عراقی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۲۷-۱۲۶؛ نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۵۰۲؛ نائینی، ۱۳۷۶، ص ۷۰۴؛ طباطبایی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۶۲۲؛ بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۱۴-۷۱۳؛ مظفر، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۱۳). تنافی در مسأله حاضر در مرحله تشریح نیست، بلکه در مرحله امتثال است؛ چراکه عمل به مضمون قاعده لاضرر همراه با قاعده نفی سلطه و قاعده مصلحت، در یک زمان ممکن نیست. از این رو، می‌توان مسأله مورد نظر را از موارد التزام دانست. با شمرده شدن مسأله مورد نظر از موارد التزام، باید قواعد باب التزام را جاری نمود. در مواردی که نسبت بین دو حکم متزام، اهم و مهم است، عمل به حکم اهم متعین است (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۵۰۲؛ نائینی، ۱۳۷۶، ص ۷۰۴؛ آملی، ۱۴۰۵ق، ج ۴، ص ۳۶۳؛ بجنوردی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۷۱۴-۷۱۳؛ مظفر، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۱۳). در بحث حاضر نیز قاعده نفی سبیل و مصلحت با توجه به اینکه دارای اهمیتی به مراتب بیشتر است، مقدم بر قاعده لاضرر است؛ چراکه فیلترکردن سایت‌های انحرافی، - چنانچه تبیین آن گذشت -، موجب سلطه دشمنان اسلام و نیز خلاف مصلحت بوده و باعث لطمه به جامعه و دین و اعتقادات و باورهای افراد آن جامعه و در مجموع موجب خسارات جبران‌ناپذیری می‌شود؛ در حالی که فیلترینگ این نوع از سایت‌ها تنها می‌تواند موجب ضرر جزئی کاربران در مورد فیلتر سایت‌های انحرافی حامل مطالب و نکات علمی نیز باشد. بدیهی است در دوران بین این دو امر، لطمه وارده بر جامعه و اعتقادات افراد آن، حامل تالی فاسدتر و بسیار مهمتری است. لذا قاعده نفی سبیل و مصلحت از باب تقدیم اهم بر مهم که از قواعد باب التزام شمرده می‌شود، مقدم بر قاعده لاضرر است.

همچنین اگرچه با توجه به وجود ضرر در رابطه با فیلترینگ سایت‌های انحرافی که حاوی نکات علمی است، مقتضای قاعده لاضرر فیلترکردن آن سایت‌ها است، ولی باید در نظر داشت، از آنجایی که فیلترکردن این دسته از سایت‌ها مستلزم سبیل و سلطه دشمنان اسلام و بر خلاف مصلحت جامعه است، حامل ضرر بر جامعه و افراد آن می‌باشد و به تبع آن مقتضای قاعده لاضرر، فیلترنمودن این دسته از سایت‌ها است. با حفظ این مطلب، در دوران امر بین دو ضرر، اگر یکی از دو ضرر، کمتر از ضرر

دیگری باشد، باید ضرر کمتر اختیار گردد و چنانچه هر دو ضرر، یکسان باشند، وظیفه تخییر است (آخوند خراسانی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۱۶۳). در مسأله حاضر، ضرر حاصل از فیلترینگ این دسته از سایت‌ها، به مراتب کمتر از ضرر حاصل از فیلتر نکردن آن سایت‌ها است. در نتیجه اختیار نمودن ضرر کمتر مقتضی اعمال فیلترینگ در رابطه این دسته از سایت‌ها است.

با در نظر گرفتن نکات فوق، با توجه به مقتضای قاعده لاضرر، در نحوه اجرای فیلتر، باید رعایت سود و زیان را نمود و تنها در صورتی که ضرر وجود آن سایت بیشتر از سود آن باشد، آن را فیلتر نمود. همچنین در صورتی که بعضی از قسمت‌های سایت بر خلاف هنجارهای اسلامی باشد و امکان فیلتر نمودن آن قسمت وجود داشته باشد، تنها همان قسمت فیلتر می‌شود و فیلتر نمودن تمام قسمت‌های آن سایت جایز نیست. ولی اگر فیلتر نمودن آن قسمت ممکن نباشد، مگر اینکه تمام قسمت‌های سایت فیلتر شود، در این صورت می‌توان تمامی قسمت‌های آن سایت را فیلتر نمود. چنانچه «شیخ انصاری» نیز در رابطه با کتابی که قسمتی از آن مشتمل بر مطالب ضاله و گمراه‌کننده است، فرموده است:

... و مما ذكرنا ايضاً يعرف حكم ما لو كان بعض الكتاب موجباً للضلال؛ فان الواجب رفعه، ولو بمحو جميع الكتاب (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۳۷)؛ با توجه به آنچه که ذکر شد، حکم کتابی که قسمت‌هایی از آن موجب گمراهی و ضلالت شود، روشن می‌شود. به این صورت که از بین بردن آن قسمت از کتاب واجب است، اگرچه انجام این عمل، مستلزم از بین رفتن کل کتاب باشد.

### وجوب استفاده از فیلترینگ خانگی با نسبت به استفاده فرزندان

با توجه به دلایل مطرح شده در وجوب اعمال فیلترینگ نسبت به سایت‌های انحرافی، می‌توان وجوب استفاده از فیلترینگ خانگی را برای اولیای خانواده با نسبت به استفاده فرزندان از فضای مجازی استنتاج نمود؛ چراکه با توجه کثرت وجود سایت‌های

انحرافی در فضای مجازی، هرچقدر هم که حکومت در حوزه فیلترینگ سخت‌گیری نماید، نمی‌تواند خیلی از مسائل را فیلتر کند که در این مورد، خانواده‌ها و سرپرستان می‌توانند با استفاده از فیلترینگ خانگی با در نظر گرفتن سن فرزندان خود، فیلترینگ را اعمال نمایند (سایت پلیس فتا (<https://www.cyberpolice.ir>)). گذشته از دولت، کنترل محتوای اینترنت توسط خانواده‌ها، معقول‌ترین راهی است که برای مقابله با آسیب‌های اینترنت در نظر گرفته می‌شود.

### شناساندن اهمیت فیلترینگ به مردم

سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اجتماعی ما باید به گونه‌ای باشد که زمانی که مراجع تصمیم‌گیرنده، فیلترینگ را اعمال می‌کنند، مردم بپذیرند و افکار عمومی با فیلترینگ همراهی کند. این راه میسر نمی‌شود، مگر اینکه ستادی تشکیل شده و سخنگویی گذاشته شود و با مردم در این مورد گفتگو شود و آگاهی‌بخشی در این زمینه به درستی صورت گیرد تا اینکه سواد رسانه‌ایی حاصل شده و مردم به راحتی این مسائل را بپذیرند. بر این اساس، در حوزه فیلترینگ، نیاز به یک سیاست‌گذاری دقیق و اجرایی است که زحمات اعضای کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را پانته‌ای را تکمیل کند. اگر مردم سواد رسانه‌ای نداشته باشند و فیلترینگ اعمال شود، فضا برای دور زدن فیلترینگ از طریق وی‌پی‌ان‌ها، فیلترشکن‌ها و... باز گذاشته می‌شود. وجود سواد رسانه‌ایی و جانداختن موضوع فیلترینگ در میان مردم کشور از اینکه اعمال فیلترینگ و محدود کردن دسترسی به برخی سایت‌ها، عامل و نماد سلب آزادی نیست، بلکه به عنوان ابزاری برای آرامش و امنیت در جامعه تلقی می‌شود، از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چراکه اگر مردم سواد رسانه‌ای نداشته باشند و با فلسفه فیلترینگ آشنا نباشند، فضا برای دور زدن فیلترینگ از طریق وی‌پی‌ان‌ها، فیلترشکن‌ها و... باز گذاشته می‌شود و غرض از اعمال فیلترینگ حاصل نمی‌شود و چه بسا اینکه حتی در بعضی از مواقع عوارضی که دور زدن فیلترینگ از طریق وی‌پی‌ان و فیلترشکن دارد، به مراتب بیشتر و بدتر از اصل سایت‌های فیلترشده است؛ زیرا معمولاً اکثر این نرم‌افزارهای فیلترشکن،



همراه با خودسایتی را بالا می‌آورند که این سایت، مستهجن‌ترین سایت‌های دنیا را معرفی می‌کند و فرد از این طریق وارد بدترین سایت‌های جهان می‌شود. حتی بعضی از این وی‌پی‌ان‌ها امکان جاسوسی را به شکل کامل فراهم می‌کنند. وقتی فرد، با وی‌پی‌ان به اینترنت متصل می‌شود، اگر از یک شرکت نامعتبر سرویس گرفته باشد، تمامی اطلاعات رایانه‌اش را هم در اختیار آن شرکت می‌گذارد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که در این تحقیق آمد، می‌توان به نکات ذیل دست یافت:

۱. اعمال فیلترینگ نسبت به سایت‌های انحرافی و بر خلاف موازین و هنجارهای اسلامی با توجه به ادله‌ای چون قاعده نفی سبیل، ادله حرمت حفظ کتب ضلال، قاعده حفظ مصلحت و ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر در فضای مجازی، واجب است.
۲. اگرچه بسیاری از سایت‌های انحرافی، مشتمل بر مطالب مفید علمی هستند و فیلتر نمودن این دسته از سایت‌ها بخاطر منافع زیاد علم، موجب ضرر هستند و در نتیجه مقتضای قاعده لاضرر، عدم جواز فیلتر نمودن این دسته از سایت‌ها است، ولی باید در نظر داشت، فیلتر نکردن این دسته از سایت‌های انحرافی با توجه به پیامدهای منفی ناشی از آن چون فسادها و انحرافات اخلاقی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و ... بر خلاف ادله وجوب اعمال فیلترینگ نسبت به سایت‌های انحرافی؛ یعنی قاعده نفی سبیل، ادله حرمت حفظ کتب ضاله، قاعده مصلحت و ادله امر به معروف و نهی از منکر است. با توجه به وجود تراحم بین قاعده لاضرر و ادله وجوب اعمال فیلترینگ و اخذ به دلیل اهم در این گونه از موارد، می‌توان گفت عمل به مقتضای ادله وجوب اعمال فیلترینگ، متعین است؛ زیرا عدم اجرای فیلترینگ، مخالف با مصلحت بوده و پیامدهایی چون سلطه دشمنان اسلام را در پی داشته و موجب لطمات جبران‌ناپذیر به دین و اعتقادات و باورهای افراد آن جامعه می‌شود. لذا می‌تواند حامل تالی فاسدتری نسبت به فیلترینگ این دسته از سایت‌ها باشد. همچنین با توجه به اینکه فیلتر نکردن این دسته از سایت‌ها مخالف با مصلحت و مستلزم سلطه دشمنان اسلام و پیامدهای منفی

زیادی است، حامل ضرری به مراتب بیشتر از ضرر فیلترنمودن این دسته از سایت‌ها است و در دوران امر بین دو ضرر، به ضرر کمتر؛ یعنی فیلترنمودن این دسته از سایت‌های انحرافی اخذ می‌شود.

۳. با در نظر گرفتن ادله ارائه شده در وجوب اعمال فیلترینگ نسبت به سایت‌های انحرافی، می‌توان وجوب اعمال فیلترینگ خانگی را برای سرپرستان خانواده با نسبت به استفاده فرزندان از فضای مجازی ثابت کرد.

۴. سیاستگذاری‌ها باید به گونه‌ای باشد که افکار عمومی موافق با اعمال فیلترینگ باشد که این متوقف بر تشکیل ستادی است که وظیفه آن، حصول سواد رسانه‌ایی در میان مردم و تلقی آنها از فیلترینگ، به عنوان ابزاری برای رسیدن به آرامش و امنیت، نه به عنوان نماد سلب آزادی شمرده شود.

## یادداشت‌ها

۱. ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه‌ای عبارت است از: «ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی موظفند طبق ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی کارگروه (کمیته) تعیین مصادیق موضوع ماده ذیل محتوای مجرمانه که در چهارچوب قانون تنظیم شده است؛ اعم از محتوای ناشی از جرایم رایانه‌ای و محتوایی که برای ارتکاب جرایم رایانه‌ای بکار می‌رود را پالایش (فیلتر) کنند. در صورتی که عمداً از پالایش (فیلتر) محتوای مجرمانه خودداری کنند، منحل خواهند شد و چنانچه از روی بی احتیاطی و بی مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای غیر قانونی را فراهم آورند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و در مرتبه دوم به جزای نقدی از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد».

۲. همیشه اسلام (نسبت به سایر مکاتب و ملل) برتری دارد و هیچ چیزی بر آن برتری ندارد و کافران بمنزله مرده‌ها هستند، مانع از ارث دیگران نمی‌شوند و خودشان نیز ارث نمی‌برند.

۳. «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا».

۴. «... وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ...» (لقمان: ۳۱)، ۶، «وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» (حج: ۲۲): ۳۰.

۵. از جمله این روایات: «... إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّاعَةَ الَّتِي حَرَامٌ هِيَ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفَسَادُ مَحْضًا ... وَ مَا يَكُونُ مِنْهُ وَ فِيهِ الْفَسَادُ مَحْضًا وَ لَا يَكُونُ فِيهِ وَ لَا مِنْهُ شَيْءٌ مِنْ وَجْهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَغْلِيمُهُ وَ تَعْلَمُهُ وَ الْعَمَلُ بِهِ وَ أَخْذُ الْأَجْرِ عَلَيْهِ وَ جَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ...» (ابن شعبه، حسن بن علی حرانی، تحف العقول، ص ۳۳۵)، «... أَوْ يَقْوَى بِهِ الْكُفْرُ وَ الشَّرْكَ مِنْ جَمِيعِ وَجْهِ الْمَعَاصِي أَوْ بَابٌ مِنَ الْأَبْوَابِ يَقْوَى بِهِ بَابٌ مِنَ أَبْوَابِ الضَّلَالَةِ أَوْ بَابٌ مِنَ أَبْوَابِ الْبَاطِلِ أَوْ بَابٌ يُوهِنُ بِهِ الْحَقُّ فَهُوَ حَرَامٌ مُحْرَمٌ بَيْعُهُ وَ شِرَاؤُهُ وَ إِمْسَاكُهُ ...» (همان، ص ۳۳۳). رُويَ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ 7 إِنِّي قَدِ ابْتَلَيْتُ بِهَذَا الْعِلْمِ فَأُرِيدُ الْحَاجَةَ فَإِذَا نَظَرْتُ إِلَى الطَّالِعِ وَ رَأَيْتُ الطَّالِعَ الشَّرَّ جَلَسْتُ وَ لَمْ أَذْهَبْ فِيهَا وَ إِذَا رَأَيْتُ الطَّالِعَ الْخَيْرَ ذَهَبْتُ فِي الْحَاجَةِ فَقَالَ لِي: «تَقْضَى أَمَّا نَعَمْ، قَالَ: [أَحْرَقْ كُتُبَكَ» (محمد بن علی بن بابویه، صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۶۷).

۶. عن ابی جعفر و ابی عبدالله 8 قالوا: «و یل لقوم لا یدینون لله بالامر و المعروف و النهی عن المنکر».

۷. عن محمد بن عرفة قال: سمعت ابا الحسن الرضا 7 يقول: «لتأمرن بالمعروف و لتنهن عن المنکر - او لیستعملن علیکم شرارکم - فیدعو خيارکم فلا یستجاب لهم».

۸. برای تبیین این قاعده و بررسی مستندات آن: (مرتضی بن محمد امین انصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۵۴۰-۵۳۳؛ محمد کاظم بن حسین آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ج ۳، ص ۱۶۴-۱۵۸؛ موسی بن جعفر بن احمد تبریزی، اوثق الوسائل، ص ۵۴۰-۴۲۰؛ آقا ضیاء الدین علی کزازی عراقی، مقالات الاصول، ص ۳۳۰-۳۰۱).

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الاصول، ج ۳، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۴۳۰ ق.
۴. آملی، میرزاهاشم، مجمع الافکار و مطرح الانظار، ج ۴، قم: المطبعة العلمية، ۱۴۰۵ ق.
۵. افتخاری، اصغر، «تبارشناسی قاعده مصلحت در فقه سیاسی شیعه»، فصلنامه سیاست متعالیه، ش ۱، ۱۳۹۲.

۶. امام خمینی، سید روح الله، المكاسب المحرمة، ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ق
۷. -----، صحیفه نور، ج ۱۲ و ۱۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹.
۸. -----، تحریر الوسيلة، ج ۱، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، بی تا.
۹. انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الأصول، ج ۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۶ق.
۱۰. -----، کتاب المكاسب، ج ۱، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ۱۴۱۵ق.
۱۱. ایزدی فرد، علی اکبر، حسین نژاد سیدمجتبی، فقه الکترونیک در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: مؤسسه الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۵.
۱۲. بجنوردی، سید حسن، القواعد الفقهية، ج ۱، قم: مؤسسه الهادی، ۱۴۱۹ق.
۱۳. -----، منتهی الأصول، ج ۲، تهران: مؤسسه العروج، ۱۳۸۰.
۱۴. تبریزی، موسی بن جعفر بن احمد، أوثق الوسائل، قم: کتابفروشی کتبی نجفی، ۱۳۶۹ق.
۱۵. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، ج ۲، قم: انتشارت هجرت، ۱۳۷۶.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
۱۷. حرانی، ابن شعبه حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۸. حسینی شیرازی، سید محمد، الفقه، القواعد الفقهية، بیروت: مؤسسه امام رضا ۷، ۱۴۱۳ق.
۱۹. حسینی عاملی، سید جواد بن محمد، مفتاح الكرامة، ج ۱۲، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۹ق.
۲۰. حلّی، محمد بن حسن بن یوسف، إیضاح الفوائد، ج ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷ق.
۲۱. -----، مختلف الشیعة، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۲. روزنامه ایران، ۱۳۹۳/۹/۱۲، ش ۵۸۰۸.
۲۳. روزنامه خراسان، ۱۳۹۳/۱۰/۱۷.
۲۴. روزنامه دنیای اقتصاد، ۱۳۹۶/۲/۱۴، ش ۴۰۳۶.
۲۵. سایت پلیس فتا (<https://www.cyberpolice.ir>)، زمان مراجعه: ۱۳۹۶/۵/۲۱.
۲۶. سایت رسمی کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه (<http://internet.ir>)، زمان مراجعه: ۱۳۹۶/۵/۲۱.

۲۷. سیفی مازندرانی، علی اکبر، مبانی الفقه الفعال فی القواعد الفقهية الأساسية، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۵ق.
۲۸. سیوری، مقداد بن عبدالله، التنقیح الرائع، ج ۱، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ق.
۲۹. شعرانی، ابو الحسن، تبصرة المتعلمین - ترجمه و شرح، ج ۲، تهران: منشورات اسلامیة، ۱۴۱۹ق.
۳۰. شهید اول، محمد بن مکی، غایة المراد، ج ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۴ق.
۳۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲ و ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۳۲. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۳۳. طباطبائی، سید علی، ریاض المسائل، ج ۸، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۳۴. طباطبائی، محمدسعید حکیم، الکافی فی اصول الفقه، ج ۲، بیروت: دارالهدی، ۱۴۲۸ق.
۳۵. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، حاشیة المکاسب، تهران: دارالمعارف الاسلامیة، ۱۳۷۸.
۳۶. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، الاقتصاد، تهران: کتابخانه جامع چهل ستون، ۱۳۷۵ق.
۳۷. -----، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۸. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۳۹. طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، تهران: اسلام، ۱۳۷۸.
۴۰. عباسی، مجید، مرادی، حسین، «جنگ سایبر از منظر حقوق بین الملل بشر دوستانه»، مجلس و راهبرد، ش ۸۱، ۱۳۹۴.
۴۱. عراقی، آقا ضیاء الدین علی کزازی، شرح تبصرة المتعلمین، ج ۶، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۴ق.
۴۲. -----، قاعدة لا ضرر و لا ضرر، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۸ق.
۴۳. -----، مقالات الأصول، قم: مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۲۰ق.
۴۴. -----، نهاية الأفكار، ج ۴، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۴۵. فاضل لنکرانی، محمد، القواعد الفقهية، قم: چاپخانه مهر، ۱۴۱۶ق.
۴۶. فیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، ج ۱، قم: منشورات دار الرضی، بی تا.

۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.
۴۸. گروه تألیف و ترجمه بنیاد ICDL جمهوری اسلامی ایران، مهارت هفتم؛ اینترنت و پست الکترونیک، تهران: بنیاد ICDL جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
۴۹. مراغی، میرفتاح، العناوین الفقہیة، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۵۰. مظفر، محمدرضا، أصول الفقه، ج ۲، قم: مكتبة الفقه و الاصول المختصة، ۱۳۷۵.
۵۱. معرفت، محمد هادی، «مصلحت در فقه»، مجله پیام حوزه، ش ۱۴، ۱۳۷۶.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۴، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۷۴.
۵۳. منتظری، حسینعلی، دراسات فی ولایة الفقیه، ج ۲، قم: تفکر، ۱۴۰۹ق.
۵۴. مؤمن، محمد، «کاوشی در مجازات محارب و مفسد فی الارض»، مجله فقه اهل بیت :، قم: ش ۳۵، ۱۳۸۲.
۵۵. میدی، رشیدالدین ابوالفضل، کشف الأسرار و عدة الأبرار، ج ۱۰، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۱.
۵۶. نائینی، محمدحسین، أجدوالتقریرات، ج ۲، قم: مطبعة العرفان، ۱۳۵۲.
۵۷. -----، فوائد الأصول، ج ۳، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۶.
۵۸. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۲۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۵۹. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، رسائل و مسائل، ج ۱، قم: کنگره نراقیین ملا مهدی و ملا احمد، ۱۴۲۲ق.
۶۰. هاشمی شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت :، ج ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت :، ۱۴۲۶ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی